

اولین مظلوم^۱

از جمله زیارات حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام زیارت مطلقه ی پنجم است که مرحوم کلینی رضوان الله تعالی علیه در کافی شریف از حضرت ابی الحسن الثالث، علی بن محمد الهادی، امام دهم علیه السلام نقل نموده و جمله ی اول این زیارت بعد از سلام، جمله ای است بسیار حایز اهمیت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ أَوْلُ مَظْلُومٍ وَأَوْلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ^۲

سلام بر تو ای ولی خدا، تو نخستین مظلوم و اولین کسی هستی که حقش غصب گردید.

علی علیه السلام اولین مظلوم و اولین کسی که حقش غصب شده، یعنی چه؟ در حالی که می دانیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقدم بر امیر المؤمنین علیه السلام هستند و چه بسا آن وجود مقدس اول مظلوم باشد. چه اولیت به معنای اول قبل از دوم باشد و چه به معنای اولویت؛ به هر دو معنا، رسول خدا صلی الله علیه و آله شایسته و بایسته ی این خطاب است. پس چرا این خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام شده و در زیارت آن حضرت آمده؟ در این زمینه سخنی از خود امیر المؤمنین علیه السلام رسیده که فرمودند:

... كُلُّ حَقْدٍ حَقَدَتْهُ قُرَيْشٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَظْهَرَتْهُ فِيَّ وَ سَتَّظَهَرَهُ فِيَّ وَلَدِي مِنْ بَعْدِي^۳.

۱- این متن با بهره گیری از کتاب "اینجا نجف است" (اثر جناب آقای سید مجتبی بحرینی)، تهیه شده و به یاد پدری که دلش به نام و یاد امیرالمؤمنین علیه السلام می تپید، و در نیمه ی ماه مبارک رجب ۱۳۹۵ به دیدار موالیانش شتافت تقدیم می گردد. پدری که گاهی برای اجابت خواسته های فرزندان و نوه ها و کودکان به آنها می گفت: حالا که این کار خوشحالتان می کند، با گفتن یک **یا علی** من برایتان انجام دهم، و این گونه می کوشید تا حلاوت کارها و خریدهای لذت بخش را برای بچه ها، با شیرینی شهد نام مولا همراه سازد. مرحوم مغفور آقای حاج سید مجتبی خردمند.

۲- الکافی (ط - الإسلامیة) ؛ ج ۴ ؛ ص ۵۶۹

۳- شرح نهج البلاغه لابن اَبی الحدید، ج ۲۰، ص: ۳۲۸

هر حقد و کینه ای که قریش با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت، همه را نسبت به من اظهار نمود و به زودی پس از من نسبت به فرزندانم اظهار می دارد. ..

ابن ابی الحدید معتزلی، شارح نهج البلاغه ی امیر المؤمنین علیه السلام از استادش ابو جعفر نقیب نقل می کند که تمام خون هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله - از کفار و مشرکان - به شمشیر علی علیه السلام و دیگران ریخت، عرب پس از فقدان آن حضرت همه را به گردن علی گذارد؛ زیرا عادت عرب بر این است که اگر نتوانستند از خود شخص انتقام بگیرند از نزدیک ترین کسان او انتقام می گیرند.

او می نویسد: من ابن ابی الحدید به استادم ابو جعفر نقیب گفتم، من تعجب می کنم که چگونه پس از آن حضرت این مدت علی علیه السلام زندگی کرد و چگونه او را در دورن خانه اش نکشتند با این جوشش و غلیان حقد و حسد ها و حرارت جگرها و داغی سینه ها بر علیه او؟ گفت: اگر نه این بود که صورت بر خاک نهاد و سکوت و خموشی و گمنامی پیشه گرفت و به نماز و عبادت و نظر در قرآن مشغول شد هر آینه او را کشته بودند.^۴

دیگر حدیثی هم مرتبط با این موضوع رسیده است و ابن ابی الحدید آورده که: شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: نظر شما چیست که اگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پسری به جا مانده بود و به سن رشد و کمال رسیده بود، آیا عرب تسلیم او می شد؟ و کار را به دست او می سپرد؟

حضرت فرمودند: نه (تسلیم که نمی شد و امر حکومت و خلافت را هم به دست او نمی دادند) بلکه او را می کشتند، اگر آن چه من انجام دادم انجام نمی داد. عرب امر محمد صلی الله علیه و آله وسلم را خوش نداشت و در زمان حیات حضرت با او رواداشتند آن چه نباید می کردند و در همان زمان میان خود اجماع کردند که اگر از دنیا رفت کار را از اهل بیت او بگیرند و اگر نه این بود که قریش از نام او برای رسیدن به مقاصد خودش استفاده می کرد و آن را وسیله ی عزت و حکومت خودش قرار داده بود، هر آینه پس از او یک روز خدا را عبادت نمی کرد و هرچه سریعتر مرتد شده و بر نمی گشت.^۵

۴- الامام علی بن ابی طالب من حبه عنوان الصحیفه، ص ۵۶۹

۵- همان، ص ۵۵۳

بنابر این می توان چنین گفت که حق تعالی اولین مظلوم است، هر چند اطلاق مظلوم بر او نشده و نمی شود و ظهور و بروز مظلومیت او در مظلومیت اولیای اوست. حقد و کینه ای که کفار و معاندان از خداوند متعال دارند قابل توصیف نیست و بر فرض محال اگر دسترسی به او پیدا می کردند و می توانستند، قبل از همه به حساب او می رسیدند و او را از بین می بردند، ولی دسترسی به او که ممکن نیست و در توان کسی هم نیست که او را از بین ببرد، ظلم به ذات او و اوصاف او فراوان شده و می شود. گاهی او را نفی می کنند، گاهی شریک برای او می تراشند، گاهی صفات او را به دیگران نسبت می دهند، گاهی نسبت ظلم و عجز به او می دهند و مانند آن. خوب حالا که نمی توانند به حساب خدا برسند، می روند سراغ این آقایی که خود را رسول و فرستاده او می داند! این هم مصلحت نیست چون می خواهند تا جایی که ممکن است از وضعی که پیش آمده استفاده کنند که در حدیث آخری که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آوردیم به این جهت تصریح شده بود:

إنَّ العرب كرهت أمر محمد (صلى الله عليه واله) وحسدته على ما آتاه الله من فضله.. .. ولولا أن قریشا جعلت اسمه ذریعةً الى الرياسة، وسلما الى العز والإمرة، لما عبت الله بعد موته يوماً واحداً. .. همانا عرب، امر محمد صلی الله علیه و آله (رسالت او) را خوش نداشت و بر او حسد می برد. .. و اگر نه این بود که اسم او را وسیله ی ریاست و نردبان عزت و حکومت خود قرار می داد پس از فقدان او یک روز خدا را عبادت نمی کرد (و آیین او را ولو به صورت ظاهر حفظ نمی نمود).

از خدا که خیلی کینه و بغض دارند و دستشان به او نمی رسد، پیغمبرش را هم که دشمن می دارند ولی اظهار دشمنی نسبت به او مصلحت نیست که به تعبیر آن چه از امام معصوم علیه السلام رسیده، اسلام آنان اسلام طمعی بوده؛ حالا چه کنند؟ پیامبر خدا هم که از دنیا رفت و یا به وسیله ی جاسوس هایی که در خانه ی او داشتند او را مسموم نمودند. .. أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ۗ که در بیان این آیه ی شریفه مرحوم عیاشی سمرقندی در اثر نفیس و کهن تفسیرش از حضرت صادق علیه السلام نقل نموده که حضرت به عبد الصمد بن بشیر فرمودند: آیا می دانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اجل طبیعی از دنیا رفتند، یا کشته شدند؟ فَسَمَّ قَبْلَ الْمَوْتِ إِنَّهُمَا سَقَتَاهُ فَقُلْنَا إِنَّهُمَا وَ آبُوهُمَا شَرٌّ

۶- همان، ص ۵۵۳

۷- آل عمران، ۱۴۴

مَنْ خَلَقَ اللَّهُ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از موتش مسموم شد. همانا آن دو زن آن وجود مقدس را مسموم کردند. سپس عبدصمد می گوید، ما گفتیم: هر آینه آن دو و پدرانشان بدترین خلق خدا هستند.^۸

حالا همه ی آن بغض و کینه ها و دشمنی و عداوت ها را آورده اند تا بر سر امیرعالم علی علیه السلام بریزند! که این حقیقت در آن چه از خود امیر المؤمنین آورده شد و همچنین در آن چه ابن ابی الحدید از استادش ابوجعفر نقیب آورده بود تصریح شده است و نتیجه این که امیر المؤمنین علیه السلام در مظلومیت، بلا گردان خدا و رسول خدا شده است و شاید همین جهت موجب شده که از حضرتش به اول مظلوم تعبیر شود.

به عبارت دیگر ظهور صفت - اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبه - در تلبس به مبدء فی الحال است و ظهور در فعلیت دارد اولین کسی که صفت مظلوم به نحو کمال و تمام در او به فعلیت رسیده است و تبلور مظلومیت خدا و رسول خداست، امیر المؤمنین علیه السلام است. و از طرفی چون علی علیه السلام محبوب ترین خلق پس از رسول خدا در نزد حق تعالی است و محبوب ترین مردم در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظلم به او، اذیت او، جفا گری و ستم ستیزی نسبت به او بیشتر موجبات ایذاء خدا و رسول خدا را فراهم می آورد. پس به او ظلم کنیم که دلخوری مان را از خدا و رسول بیشتر گرفته باشیم، بر این اساس اول مظلوم و اولی مظلوم است.

هر چند مظلومیت اول مظلوم پس از فقدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ظهور و بروز داشته ولی از بعضی روایات استفاده می شود که حتی در روزگار حیات آن وجود مقدس هم باز جلوه ی تامّ مظلومیت، همین اولین مظلوم بوده است. جناب ابو زینب نعمانی حدیثی بس شنیدنی نقل نموده: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: روزی پدرم حضرت باقر علیه السلام به جناب حمران بن اعین - که از خواص اصحابشان بود - نگاه کردند و گریستند، سپس فرمودند: ای حمران، در شگفتم که چگونه مردم از کلام پیامبر خدا غفلت کردند یا فراموش کردند یا خود را به فراموشی زدند! آن زمان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بودند و اصحاب به عیادت حضرتش آمده بودند تا آن که خانه پر از جمعیت شد، در این میان علی علیه السلام وارد شدند و سلام کردند ولی میسر نشد پیش

۸- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۲، ص: ۵۱۶

روند و خدمت حضرت برسند و جمعی که بودند جا ندادند. در این میان حضرت بالشی که نزدیکشان بود برداشتند -یا زانوهای مبارک را بالا گرفتند- و فرمودند: **إِلَىٰ يَا عَلِيَّ، عَلِيَّ جَانِ پِيش آي. نزد من آي.**

مردم که چنین دیدند راه دادند تا علی علیه السلام پیش رفتند و پیامبر اکرم ایشان را کنار خود نشانند. سپس رو به مردم کرده چنین فرمودند: **هَذَا أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ بِأَهْلِ بَيْتِي فِي حَيَاتِي مَا أَرَى فَكَيْفَ بَعْدَ وَفَاتِي!** هان مردمان، در حالی که من هستم با اهل بیتم چنین می کنید که می بینم پس از وفات من با آنان چه خواهید کرد! سپس پیامبر ادامه دادند - به خدا قسم، هرچه به اهل بیت من نزدیک شوید به خدا نزدیک شده اید و هرچه از آنان دور شوید مورد اعراض حق تعالی قرار گیرید. ..^۹

آری، علی علیه السلام آن مظلومی است که حق تعالی از ظلم مردمان به او خبر داده است که در شب معراج در آن خلوتکده ی راز و سراپرده ی اعزاز از جمله حقایقی که به حبیبش فرمود این بود: .. **أَمَّا أَخُوكَ عَلِيٌّ فَيَلْقَى مِنْ أُمَّتِكَ الشَّتْمَ وَ التَّعْنِيفَ وَ التَّوْبِيخَ وَ الْحِرْمَانَ وَ الْجَحْدَ [وَ الْجُهْدَ] وَ الظُّلْمَ وَ آخِرُ ذَلِكَ الْقَتْلُ** **الما برادرت (علی علیه السلام) از امت تو شتم و ناسزا و عتاب و ملامت، سرزنش و توبیخ، خستگی و مشقت، ظلم و ستم می بیند و سرانجام او را به قتل می رسانند. ..**

علی علیه السلام آن مظلومی است که مکرر در مکرر پیامبر اکرم صلی الله علیه آله از مظلومیت او یاد کرده و او را مظلوم نامیده اند. حضرت رضا علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرمودند:

يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَفَارِقُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَحْجُورُ بَعْدِي. **الملی جان، همانا تو پس از من مظلوم خواهی بود. علی جان، همانا مردم بعد از من از تو مفارقت می کنند. علی جان، همانا تو پس از من تنها می مانی و مردم تو را ترک می کنند.**

۹- عیبت نعمانی، ص ۹۱

۱۰- کامل الزیارات / النص / ۳۳۲ / الباب الثامن و المائة نوادر الزیارات

۱۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام / ج ۲ / ۶ / ۳۰ باب فیما جاء عن الرضا ع من الأخبار المنثورة. ص : ۲

اخطب خوارزم حنفی از عایشه آورده است که گفت: رَأَيْتُ أَنْبِيَّ، التَّزَمَ عَلِيَا وَ قَبْلَهُ وَ هُوَ يَقُولُ، بَابِي الْوَحِيدَ الشَّهِيدَ.^{۱۲}
دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به خود گرفته و می بوسد و می گوید پدرم فدای تو که تنها
می مانی و شهید می شوی.

همچنین خوارزمی از خود امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که فرمودند: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در
مدینه به راهی می رفتیم، به باغی رسیدیم، گفتیم: ای رسول خدا، مَا أَحْسَنَ هَذِهِ الْحَدِيقَةَ، چقدر این باغ زیباست!
فرمودند: آری، زیباست ولی برای تو در بهشت زیباتر از این است.

به باغ دیگری گذشتیم همین سخن را گفتم و همین پاسخ را شنیدم تا بر هفت باغ عبور کردیم و همین گفت و شنود
تکرار شد، تا به جایی رسیدیم که مسیر خلوت شد و کسی نبود، رسول خدا مرا در بر کشید و دست در گردن من آورد
و شروع کردند با صدای بلند گریه کردن! عرض کردم: یا رسول الله چرا می گریید؟ فرمودند: ضَعَائِنُ فِي صُدُورِ اقْوَامٍ
لَا يَبْدُونَهَا لَكَ الْاَبْعَدِي. می گرییم به خاطر آن کینه هایی که در سینه هایی است که آن ها را ظاهر نمی سازند مگر بعد
از فقدان من.

علی علیه السلام فرمودند: به حضرت عرض کردم: فِي سَلَامَةٍ مِّنْ دِينِي؟ آن چه فرمودید همراه با سلامت دین من پیش
می آید - ظهور و بروز آن کینه ها و اذیت و آزارها، صدمه ای به دین من نمی زند؟ - فرمود: آری،
فِي سَلَامَةٍ مِّنْ دِينِكَ.^{۱۳}

و سرانجام در لحظات واپسین زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام می
خواستند نور دیدگان شان را از بدن شریف حضرتش بردارد فرمودند: يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي وَ أَنَا خَصْمٌ لِمَنْ أَنْتَ
خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^{۱۴} اعلی جان، همانا تو پس از من مظلوم خواهی بود و من فردای قیامت با هرکس تو دشمن باشی
دشمن خواهم بود.

۱۲- المناقب خوارزمی، ص ۲۶

۱۳- همان، ص ۲۶

۱۴- بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۲۸ / ۷۶ / باب ۲ / إخبار الله تعالى نبیه و إخبار النبي ص أمته بما جرى على أهل بيته صلوات الله عليهم من

الظلم و العدوان. ص : ۳۷

علی علیه السلام آن مظلومی است که حضرت صدیقه علیها السلام آن مظلومه ی هستی برای مظلومیت او در آخرین ساعت عمرش گریسته که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةَ الْوَفَاءُ بَكَتُ فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا سَيِّدَتِي مَا يُبْكِيكِ قَالَتْ أَبْكِي لِمَا تَلَقَى بَعْدِي.^{۱۵} آنگاه که زمان شهادت حضرت فاطمه علیها السلام فرا رسید گریستند. امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان فرمودند: ای سیده ی من.. چه ادبی است؟ چه آدابی است؟ چه مقامی است چه جلالتی است؟ چه رفعتی است؟ چه بزرگی و کیانی است؟ گوینده کیست؟ شنونده کیست؟ گفتار و سخن چیست؟ گوینده علی علیه السلام است، دومین شخصیت عالم وجود و شنونده فاطمه علیها السلام است، سومین رکن هستی.

سخن و خطاب «یا سیدتی» است. سید الأوصیاء، سید الأولیاء، سید المسلمین به حضرت سیده النساء می گویند: یا سیدتی.. ما چه می فهمیم؟ اگر حلالی برای این مشکله باشد معمای «ولولا فاطمة لما خلقتكما» است. در هر حال فرمودند: یا سیدتی، آن سیده را این سید و آقا می شناسد که به او خطاب «یا سیدتی» می کند و این سید و آقا را آن سیده می شناسد که «وَ الْحُرَّةُ زَوْجَتُكَ إِفْعَلْ مَا تَشَاءُ» به او می گوید!..^{۱۶}

ای سیده ی من، چرا می گریی؟ پاسخی که سیده ی هستی دادند این بود: برای آن چه تو بعد از من می بینی می گریم (برای مظلومی تو ای اولین مظلوم عالم گریه می کنم).

علی علیه السلام آن مظلومی است که جناب ابوذر او را مظلوم معرفی کرده که وقتی از او پرسیدند: محبوب ترین شخص نزد تو کیست که همو محبوب ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده؟ در حالی که اشاره به امیر المؤمنین نمود که فرا روی او مشغول نماز بودند، گفت: هُوَ هَذَا الشَّيْخُ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَّهَدُ حَقَّهُ. این بزرگ و آقای مظلوم که او را مقهور ساخته و به او ستم نموده اند.

علی علیه اسلام آن مظلومی است که مکرر خود را مظلوم معرفی نموده است: إِنَّ عَلِيًّا لَمْ يَقُمْ مَرَّةً عَلَى الْمِنْبَرِ إِلَّا قَالَ فِي آخِرِ كَلَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ. لَهْمَانَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هِيَ جَاهُ بَرِّ مَنْبَرٍ قَرَارَ نَمِيٍّ گرفتند

۱۵- بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۴۳ / ۲۱۸ / باب ۷ ما وقع عليها من الظلم و بكائها و حزنها و شكايتهها في مرضها إلى شهادتها و غسلها و

دفنها و بيان العلة في إخفاء دفنها صلوات الله عليها و لعنة الله على من ظلمها. ص : ۱۵۵

۱۶- کتاب سلیم بن قیس، ص ۲۲۴

۱۷- الامام علی بن ابی طالب علیه السلام من حبه عنوان الصحیفة، ص ۵۳۳

۱۸- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) / ج ۲ / ۱۱۵ / فصل فی حلمه و شفقتة. ص : ۱۱۲

جز این که در آخر گفتارشان قبل از این که فرود آیند می فرمودند: پیوسته از آن روزی که خداوند پیامبرش را از دنیا برد من مظلوم بوده ام.

از کنار مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام نمی شود این چنین گذشت، بهتر همین است که بگوییم همان گونه که سایر کمالات او برای ما و بزرگترهای پیش از ما قابل درک و هضم نیست کمال مظلومیت او هم چنین است. مظلومی است که کم و کیف مظلومیتش قابل شناخت نیست.

مظلومی می گوییم، مظلومی می شنویم، شهادت به مظلومیتی می دهیم و در زیارت می خوانیم ولی چونان سایر آن چه متعلق به آن وجود مقدس است ناشناخته مانده است که به راستی زبان از شرح و توضیح مظلومیت آن اولین مظلوم عاجز است. چونان که هیچ قلمی هم توان ترسیم و تصویر مظلومیت او را ندارد. علی علیه السلام آن مظلومی است که نفس کشیدن ظالمینش به اذن پروردگار در اختیار اوست و اگر اراده کند ظالم نمی ماند تا ظلمی کند. مظلومی با این قدرت و توان را دست ببندند و به همسر گرامی اش، همان که او را «سیدتی» می خواند، اسائه ادب و جسارت و اهانت کنند، می فهمیم یعنی چه؟ ...

وقتی در برابر قبر شریفش عرض می کنیم: أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، اگر همین یک مظلومیت او را در نظر بگیریم و قالب تهی کنیم مورد ملامت قرار نمی گیریم. مظلومی با این توان و قدرت را با سر برهنه، پای منبر بنشانند و کسی که هیچ و هیچ و هیچ آگاهی و اعتباری ندارد حتی معنای ظاهری قرآن را نمی داند، جای رسول خدا بنشیند و دیگری که سیئه ای از سیئات اوست با شمشیر آهیخته بالای سر حقیقت ایمان بایستد و او را وادار به آن بیعت شوم سازد!

امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن مظلومی است که ظالمین به حشش هم اقرار به مظلومیت او دارند. ابن عباس گوید: دست در دست دومی (خلیفه ی دوم) در کوچه ای از کوچه های مدینه می رفتیم، نا گهان به من گفت: يَا بْنَ عَبَّاسِ مَا أَظَنَّ صَاحِبَكَ إِلَّا مَظْلُومًا. پسر عباس گمان می کنم صاحب و رفیق تو (علی علیه السلام) مظلوم است. گفتم: حشش را به او برگردان! تا این جمله را گفتم، دستش را از دست من بیرون کشید و رفت. مقداری با خودش حرف زد، سپس ایستاد تا به او رسیدم، گفت: پسر عباس، می پندارم منع حقوق او به این جهت است که او را کوچک شمردند. گفتم: خداوند روزی که امر نمود سوره ی براءت را از رفیق تو (خلیفه ی اول) بگیرد او را (امیرالمؤمنین علی علیه السلام را)

کوچک نشمرد (بلکه او را بزرگ دانست، چه شد حالا شما حق او را کوچک می شمارید؟ تا این جمله را گفتم) از من روی گرداند و رفت.^{۱۹}

علی علیه السلام آن مظلومی است که سومی هم به او ظلم می کند؛ همان سومی که مولا او را در خطبه ی شقشقیه اش پس از معرفی اولی و دومی چنین معرفی نموده اند: تا آن که به دنبال جریان شورای شش نفری دومی، سومی به پا خاست در حالی که همچون شتری پُر خور و شکم باره بود که همتی جز چریدن و انباشتن شکم و تخلیه ی آن نداشت.

چنین شخصی به دنبال گفتگوئی که در روز گرم و هنگامِ داغیِ هوا با حضرت داشت با چوب دستی اش برخاست و آن وجود مقدّس را مورد ضرب قرار داد و حضرت دستی به طرف او نگشود تا هر چه خواست انجام داد و سپس آن حضرت سر و رویشان را با جامه پوشانیدند و به منزل برگشتند و فرمودند: خدا میان من و تو باشد - و حکم کند که این جمله کاملاً نماد و نمود مظلومیت است - هر آینه من تو را امر به معروف و نهی از منکر می کردم و تو با من چنین می کنی؟ و اینک عین عبارت:

... ثُمَّ قَامَ إِلَيَّ بِالْقَضِيبِ فَضَرَبَنِي، وَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ يَدَهُ حَتَّى قَضَى حَاجَتَهُ، فَتَقَنَعْتُ بِثَوْبِي وَ رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي وَقُلْتُ: اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ إِنْ كُنْتُ أَمْرَتُكَ بِمَعْرُوفٍ وَ نَهَيْتُكَ عَنْ مُنْكَرٍ.^{۲۰}

در دیگر جریانی که مبرّد از قنبر غلام حضرت نقل کرده که در این ماجرا هم مظلومیت حضرت آشکار است: در خدمت علی علیه السلام نزد عثمان رفتیم، دیدم دوست دارند تنها باشند حضرت اشاره فرمودند، فاصله گرفتیم. عثمان شروع کرد به حضرت عتاب نمود و حضرت سرشان را پایین افکنده بودند و چیزی نمی گفتند و او می گفت: چرا حرف نمی زنی!^{۲۱}

۱۹- بحار النوار، ج ۴۰، ص ۱۳۵

۲۰- بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۳۱ / ۴۵۲ / [۲۸] باب ما جرى بين أمير المؤمنين صلوات الله عليه و بين عثمان و ولاته و أعوانه و بعض أحواله. ص : ۴۴۹

۲۱- الکامل، للمبرّد، ج ۱، ص ۱۳

در این جا با آوردن جملات جامعی از الغدیر این بحث را خاتمه می بخشیم. مرحوم علامه ی امینی رَحِمَهُ اللهُ، پس از نقل حدیث معجول بخاری و خطیب بغداد از محمد حنفیه از امیر المؤمنین علیه السلام که اولی و دومی را خیر خلق بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی نموده و پسر از بیم این که نکند پدر، سومی را ذکر کند می گوید پس از آن دو نفر تو سومی هستی و جواب پدر این است: پسر جانم، پدر تو یکی از مسلمان هاست که در نفع و ضرر و سود و زیان با آنان سهیم است.

پس از این مرحوم علامه امینی می گوید: فعلاً در مقام تقدم و برتری علی علیه السلام و بهترین خلق بودن او بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیستیم، بلکه می خواهیم همین حدیثی را که بخاری و خطیب نقل کرده اند و قبول دارند مورد دقت قرار دهیم و ببینیم آیا آن انسان کامل را به منزله ی یکی از آحاد مسلمین به حساب آورده اند؟ بلکه ای کاش میان او و سفله ی اعراب و طبقه ی ساقطه ی از اصحاب رعایت مساوات و برابری می کردند، ولی کجا و کجا؟ با من بیایید و بنگرید و بگویید.

شما را به خدا سوگند، غیر از او کدام مسلمان شریف یا وضع را سراغ دارید که بر فراز هیجده هزار منبر مورد لعنت قرار گرفته باشد و هیچ کس یک کلمه در مقام دفاع از او نگفته باشد؟

شما را به خدا قسم، به من بگویید کدام مسلمان رفیع و بالادست یا غیر رفیع و پایین دست را غیر از سید عترت، امیر المومنین علیه السلام می شناسید که سَبُّ و دشنام او در نماز جمعه و جماعت و جوامع مذهبی به صورت سنت در آمده باشد و ختم مجالس وعظ و خطابه با لعن او باشد و اگر کسی هم در مقام نهی بر آید او را تبعید کنند؟

جنید بن عبدالرحمان گوید: از حوران به دمشق آمدم که عطا و مقرری ام را بگیرم. نماز جمعه را خواندم و از باب الدرج بیرون آمدم، در آن جا پیرمردی را دیدم که به او ابوشیبه ی قاصّ می گفتند، برای مردم قصه و تاریخ گفت و موعظه کرد و با گفتارش بیم و امید بخشید و اشک از دیده ی ما جاری کرد سپس گفت: إِخْتَمُوا مَجْلِسَنَا بِلَعْنِ أَبِي تَرَابٍ فَلَعْنُوا أَبَاتُرَابٍ. مجلسمان را به لعن ابوتراب تمام کنیم، مردم هم ابوتراب را لعن کردند. من به کسی که طرف راستم بود رو کردم و گفتم: این ابوترابی که لعنت می کنید کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب است. گفتم: پسر عم رسول خدا و شوهر دختر او و اولین مسلمان و پدر حسن و حسین؟ ... تا آخر جریان که ابن عساکر آورده و در آخر گوید: جنید - این بنده ی خدا که از حوران آمده بود این حرف ها را که شنید - اعتراض کرد و لطمه به صورت آن مرد زد. آن مرد

به هشام بن عبدالملک شکایت کرد. هشام هم جنید - بیچاره را که به بدعت لعنت امیر المؤمنین اعتراض کرده بود - به سُنْد تبعید کرد و در سند بود تا از دنیا رفت.

شما را به پروردگارتان سوگند، به من بگوئید کدام عزیز پرورش یافته ی در سایه ی نبوت را می شناسید غیر از عزیز گرامی تر از جان ما که مقهور و مغلوب همگان قرار گرفته و هرکس از کأس محنت و بلا جرعه جرعه به او نوشانده تا آنجا که در زندگی خسته و ملول گشته و صبر و بردباری پیشه ساخته چونان کسی که خار در چشمش و استخوان در گلویش نشسته و میراثش را مورد غارت و چپاول دیده!

شما را به خدا قسم، به من بگوئید جز علی علیه السلام کسی را می شناسید که امر امت محمد جز به سب و لعن او استقامت نپذیرد؟ به مروان گفتند: چرا او را بر منابر لعنت می کنید؟ گفت: لا یستقیم لنا الأمر الا بذلک. کار ما جز با لعن او سرانجام نمی گیرد.

سوگند به پروردگارتان، به من بگوئید کدام موحد مسلمان جز علی علیه السلام را می شناسید که خلیفه در مقام بیعت گیری، تبری و بیزاری از او را شرط بیعتش قرار دهد آن سان که معاویه چنین نمود.

شما را به خدا قسم، به من بگوئید کدام انسان را غیر از علی علیه السلام می شناسید که نامش بر مردم گران آید؟ این عایشه است که اسم حضرت را نمی برد و نمی تواند به خوبی از او یاد کند و این معاویه و عبدالملک هستند که امر می کنند ابن عباس اسم فرزندش را که علی است تغییر دهد و علی بن جهم سلمی پدر و مادرش را لعنت می کرد که چرا او را علی نامیده اند.

به من بگوئید: سوگند به پروردگارتان، کدام مسلمان محسن و نیکوکار و تسلیم فرمان خدا جز اول المسلمین علی علیه السلام را می شناسید که لعن کنندگان، دشنام دهندگان، دشمنان، قاتلان، تحقیر کنندگان او همه و همه مجتهدانی باشند که هیچ کس حق دشمنی و گرفته گیری و اعتراض و پست شماری آنان را ندارد؟

سرانجام شما را به خدا قسم، به من خبر دهید فرزند کدام مادر از مسلمان زادگان جز خانه زاد خدا، زاده ی فاطمه ی بنت اسد، علی علیه السلام را می شناسید که شیعیان، دوستان، اهل و دودمان، فرزندان و کسان او در جامعه ی

اسلامی مستحق سب و لعن و قتل و اسیری و تنقیص و اهانت، ضرب و عقوبت، آزار و اذیت و حبس و زندانی در سیاه چال های زندان باشند و زمین با همه وسعتش بر آنان ضیق و تنگ آید؟

مصیبت و درد، رسوایی و فضاحت، کمر شکنی و تأسف آن زمان بیشتر می شود که می بینیم ابن حجر در مقام دفاع از حکم بن العاص که مطرود و ملعون پیامبر اکرم است بر می آید به این عنوان که از اصحاب بوده است و یا ابن حزم در مقام جانبداری و عدم جواز لعن ابن ملجم بر می آید که مجتهد بوده و خطا کرده است، و یا ساحت معاویه ی رباخوار شراب خوار قاتل هزاران نفر از پاکان امت محمد صلی الله علیه و آله را از همه جرم و جنایت ها تبرئه می کنند که کَانَ مُجْتَهِدًا مُتَأَوَّلًا مُخْطِئًا و یا در مقام تنزیه ساحت یزید خمرور فجور از پلیدی های کفر بر می آیند و از لعن و بدگویی او نهی می کنند به این عنوان که مسلمان بوده و کفرش ثابت نشده و آنه إِمَامٌ مُجْتَهِدٌ و امثال این دفاعیات از امثال این عناصر، اما سید و آقای مقتدای ما - که جان ما فدای او باد - حبیب خدا و حبیب رسول خدا این چنین: **الْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وَادِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ**.^{۲۲} همانا امت اصرار بر دشمنی او ورزیدند و بر قطع رحم و آوارگی فرزندان او اجتماع کردند، جز جمع کمی که در مقام وفا به حق او بر آمدند. ای کاش، این قوم حدیث بخاری و خطیب شان را می گرفتند و همین جمله ای که به آن حضرت نسبت داده اند ملاک عمل قرار می دادند، - هر چند این سخنشان مجعول است - و او را یکی از مسلمانان به حساب می آوردند و حکم یک مسلمان - عادی بلکه پایین تر از عادی - بر او بار می کردند ولی ... ولی...^{۲۳}

هرچند پس از این عبارات الغدیر جای عبارت پردازی و سخن آوری نیست ولی با توجه و تأسی به همین عباراتی که آوردیم می گوییم: شما را به خدا سوگند، آیا این علی - که در این عبارات قدری با آن چه نسبت به او روا داشته اند آشنا شدیم - مظلوم نیست؟ اگر علی علیه السلام مظلوم نباشد، مظلومی در عالم نداریم!!

آری، او مظلوم است بلکه اولین مظلوم است، نفسِ نفیسِ پیامبرِ مظلوم است، همسرِ مظلومِ فاطمه ی مظلومه است، پدرِ مظلومِ فرزندانِ مظلوم است، امام و پیشوای مظلومان عالم است. حالیا با عنایت و توجه به آن چه آمد - که مسلماً نیاورده ها بیش از آورده هاست - وقتی در زیارت شریفش عرض می کنیم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ أَوْلُ**

۲۲- دعای شریف ندبه

۲۳- الغدیر، ج ۹، ص ۳۸۹ الی ۳۹۴

مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، در حال و هوای دیگری قرار می گیریم و اشک دیده و آه سینه همراهی می کند و چه بسا لحاظاتی توقف کنیم و نتوانیم از کنار این جمله بگذریم و پیوسته بگوییم: **أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ وَ** زمزمه کنیم:

| | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| هیچ کس مانند او از حق خود محروم نیست | چون علی در عالم خلقت کسی مظلوم نیست |
| در تواریخ مدوّن، صد یکش مرقوم نیست | از جنایاتی که دشمن کرد در حق علی |
| زندگی جز استخوانی مانده در حلقوم نیست | غصه های او عیان از گفته های وی که گفت |
| بین حکام الهی یک چنین محکوم نیست | جانشین مصطفی در خانه شد عزلت نشین |
| شیر حق در چنگ روبه بی جهت مظلوم نیست | صبر یزدان کرد نیروی یدالله را مهار |
| بی سبب ساکت به پیش مردکی مشئوم نیست | شاه مردان قهرمان خیبر و بدر و احد |
| حکمتی دارد که بر روشن دلان مکتوم نیست | صبر جانسوز علی چون صلح مرموز حسن |
| مرتضی یا رب مگر از چهارده معصوم نیست | آستان قدس او را ناکسان آتش زدند |
| در شگفتم عالم هستی چرا معدوم نیست | علت خلقت چو ما بین در و دیوار ماند |
| انتظارش جز برای ضربتی مسموم نیست. .. | در حقیقت شد تمام از مرگ او عُمر علی |

مرحوم شیخ الطائفة، حدیث مفصلی را در امالی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آورده است که شاهد ما در جملات پایانی روایت است. رسول خدا فرمودند: "علی جان، از حقد و کینه ها که جمعی نسبت به تو در دل دارند بر حذر باش که آن ها را پس از فقدان من اظهار می دارند و آنان جمعی هستند که مورد لعنت خدا و لعنت کنندگان اند. سپس حضرت گریستند و چون سبب گریه ی حضرت را جویا شدند، فرمود: جبرئیل به من خبر داد آنان به علی ظلم می کنند و حقش را منع می کنند و در مقام کشتن او و کشتن و ظلم به فرزندان او پس از او بر می آیند. و أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ ... و جبرئیل از طرف خدا عزّو جلّ به من خبر داد که این مظلومیت از بین می رود وقتی قائم این خاندان –

مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام نماید و کلمه و سخن و امر و فرمان آنان بالا رود و امت بر محبت و دوستی آنان گرد آیند.

زمانی که دل ما بر مظلومیت امیر المومنین علیه السلام و خاندان رسالت علیهم السلام می سوزد و سینه ی ما به درد می آید و جگر ما تفتیده می شود، آب از دیده می ریزیم و آه از سینه می کشیم، برای ظهور موفورالسّرور آخرین فرزند معصوم آن وجود مقدس و باقی مانده از خاندان رسالت، حجت عصر و صاحب مقام ولایت مطلق، حضرت ابالصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کنیم و به خصوص در اعتاب مقدسه و مشاهد مشرفه و بالأخص در حرم محترم جد امجدش مولی الموحدین امیر المؤمنین اولین مظلوم هستی.

ای پرده نشین دل، وی صفوه ی آب و گل

ای زینت هر محفل، وقت است برون آیی

ای نور دل حیدر، ای وارث پیغمبر

بر ما ضعفا بنگر، هر نقطه و هر جایی

دریاب که بی یاریم، بی مونس و غم خواریم

درمانده و ناچاریم، تا چند شکیبایی